

میلنا جنسنسکا<sup>۱</sup>، گیرندهٔ زیباترین نامه‌های عاشقانه کافکا، دیگر در فرانسه ناشناس نیست. گزیده‌ای از مقاله‌های وی که در روزنامه‌ها و مجلات چک در فاصلهٔ دو جنگ جهانی چاپ شده بود، در ۱۹۸۵ به فرانسه ترجمه شد (زیستن<sup>۲</sup>، انتشارات لیوکن<sup>۳</sup>، و در ۱۹۸۸ نیز زندگیتماش (نوشتهٔ جانا سرنا<sup>۴</sup>، انتشارات مارن سل<sup>۵</sup> ترجمه گردید. مری هاکیدی<sup>۶</sup> بریتانیایی، پس از تحقیقات طولانی در پراگ، می‌کوشد حتی المقدور زندگی پر هیاهوی میلنا را به طور دقیق باز گوید

میلنا این زن بورژوازی جوان، از نوجوانی با تکرویها و تحریکاتش شهرت می‌یابد. شوریدن او علیه پدری خود مختار نشان دهندهٔ زندگی زنی آزاد با اندیشه‌های سوسیالیستی است. در سال ۱۹۱۸ ازدواج می‌کند و تا مه ۱۹۲۴ با همسرش در وین مستر می‌شوند. در آن جا زندگی را بی‌قیدی را پیش می‌گیرد و از میان اشخاص بسیار، مدت کوتاهی هرمن برخ<sup>۸</sup> را به عنوان معشوق برمی‌گزیند. در اوایل سال ۱۹۲۰ ترجمه آثار کافکا را که از خواندنش منقلب شده بود شروع می‌کند و برای او در نامه می‌نویسد. آنان پیشتر در نوامبر ۱۹۱۹، در کافهای در پراگ که به احتمال زیاد کافه آرکو بود، تصادفی با هم روبرو می‌شوند. از آن پس با یکدیگر نامه نگاری می‌کنند. در ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ در هفته نامه‌ای ادبی به نام کمن<sup>۹</sup> داستان انباردار کشتی<sup>۱۰</sup>، که قسمتی از رمان آمریکاست<sup>۱۱</sup>، به ترجمه میلنا چاپ می‌شود. دیگر ترجمه‌هایش در تریبونا<sup>۱۲</sup> به چاپ می‌رسد، ولی اشتغالات ادبی به پیدایش عواطف عاشقانه انجامید.

میلنا ۲۳ سال دارد و کافکا ۳۷ سال. این در وین است و او در پراگ. تخیلشان کار می‌کند و



Milena Jesenska  
à vingt-quatre ans.

و بویژه در مورد کافکا. مری ها کیدی بر عجیب بودن این زوج تأکید می کند: «زن ماجراجوی چک با صورتی گلگون سرشاز از زندگی و خوش خلقی» و «یهودی رنگ پریده و ریاضت کش»، هر دو بواسطه تفاوت‌هایشان به سوی یکدیگر کشیده می شوند. هر دو در دنیاهای جداگانه زندانی اند. به جز چهارروزی که در ژوئیه ۱۹۲۰ در پایتخت اطریش می گذرانند و میلنا کافکا را قانع می کند تا نزد وی بیاید، ارتباط آن دو از حد نامه نگاری فراتر نمی رود. متأسفانه نامه‌های میلنا حفظ نشده اند. در سپتامبر ۱۹۲۰ ارتباط آنها پایان می گیرد.

کافکا در باره میلنا به یکی از دوستانش ماکس بُرد<sup>۱۳</sup> می نویسد که او «آتش جاودان» است. پس از مرگ کافکا میلنا همراه همسرش وین راترک می کند. با هم مدتی در درس<sup>۱۵</sup> نزد دوستانشان اتوروهل<sup>۱۶</sup> تاریخ نگار زندگی کارگری آلمان و همسرش، اقامت می کنند و سپس به پراگ برمی گردند.

در مه ۱۹۲۵ از همسرش جدا می شود. در اواسط ۱۹۲۶، میلنا با آرشیکت جوانی بنام جارمیر کرچکار<sup>۱۷</sup> ملاقات و سپس با او ازدواج می کند. در ۱۹۲۸ دختری به دنیا می آورد. در این زمان خبرنگاری قابل است. در اکتبر ۱۹۳۴ دوباره طلاق می گیرد و سپس مواد مخدر، بیماری و مبارزه در جناح کمونیسم، بویژه از مهاجران آلمانی گریخته از رایش سوم پذیرائی می کند، اما این بار گسست سیاسی را می آزماید و بر این باور است که اتحاد جماهیر استالین در مورد عملیات ضد فاشیستی اقدام مفیدی انجام نمی دهد و راه خیانت به هواداران اتحاد بین المللی را می پیماید.

سرخوردگی وی مانع از روی آوردن به گروه مقاومت چکها، هنگامی که چکوسلواکی در محاصره گروههای آلمان قرار می‌گیرد نمی‌شود.

در اواخر سال ۱۹۳۹، گشتاپو او را به دلیل انتشار مقاله‌ای که در نشریه ممنوعه منتشر میکند بازداشت می‌کند و حبس احتیاطی میشود و به اردوگاه اسرای جنگی راونزبروک<sup>۱۸</sup> منتقل می‌شود. اسیری دیگر مارگارت بابر نومن<sup>۱۹</sup> بواسطه پلیس استالین قربانی تسلیم به نازیهاست پس از آنکه به اردوگاهی در اتحاد جماهیر وارد می‌شود با میلنا آشنا میشود. این زن بعد بعد از زمانی که نجات پیدا می‌کند دیدارها و گفتگوهایشان را نقل می‌کند (میلنا، انتشارات سوی<sup>۲۰</sup> به گفته مری هاکیدوی، میلنا غرق در بیماری بود و با آنکه از طرف کمونیستهای چک هم بند در راونزبروک پرستاری می‌شد به تاریخ ۱۹۴۴ در ۴۸ سالگی درگذشت. او ۴۸ سال داشت.

یادداشت‌ها:

1). Milene Jesensk

2). Vivre

3). Liev Commvn

4). Jana Cerna

5). Maren Sel

6). Mary Hokady

(۷) در کتاب میلنا از پراگ Milena Deprugwe ترجمه به فرانسه، کاترین دیوید ناشر: کلمالوی Calman Levy

8). Herman Brach

9). Kmen'

10). Le Sovtien

11). Amerika

12). Tribuma

13). Max Bord

14). Un Fev Vivant

15). Drsede

16). Oho Ruhle

17). Jaromine Krejcar

18). Ravens burck

19). Margarete Buben - Neumann

20). Sevil